بیانات معظم له در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجّةالاسلام والمسلمین سید محمّد خاتمی - 12 /مرداد/ 1376

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم.
بحمدالله امروز برای ملت ایران، روز مبارکی است. امیدواریم که خداوند، برکات خودش را بر آحاد این ملت و مسؤولین و رئیس جمهور عزیزی که امروز مسؤولیت را رسماً بر عهده گرفتند، نازل فرماید ؛ و ان‌شاءالله همه بتوانیم از پرتو عنایات الهی و ادعیّه‌ی زاکیّه‌ی حضرت بقیةالله ارواحنافداه استفاده کنیم و عرض می‌کنیم: «بارِكْ لَنا فِيما اَعْطَيْتَ.» (32) این عطیّه‌ی بزرگ الهی، ان‌شاءالله برای ملت، یك عطیّه‌ی ماندگار و دارای برکات بزرگی باشد.
بحمدالله اوضاع کشور در این مقطع حسّاس، آن چنان است که هر کشور و ملتی چنین وضعی داشته باشد و از چنین سرمایه‌هایی برخوردار باشد، حق دارد که به آینده‌ی خود، با امیدواریِ منطقی و بجا نگاه کند. اوّلاً در همه‌ی حوادث و قضایا، نشانه‌های لطف الهی و کمك پروردگار را می‌بینیم. همین انتخابات سی میلیونی، مظهر لطف پروردگار به نظام جمهوری اسلامی بود. درست در همان هنگامی که بوقهای تبلیغاتی از سوی کشورهایی که مدّعی دمکراسی هستند ادّعا می‌کردند که ملت ایران از انقلاب و نظامش جدا شده و به آرمانهای امامش پشت کرده است، ملت در صحنه حاضر شد و به عنوان عمل به تکلیف و به وصیّت امام، انتخاباتی با این شکوه و عظمت به راه انداخت، که ما از اوّلِ انقلاب، مانند آن را خیلی نادر داشته‌ایم. ببینید این چقدر مظهر لطف الهی است! همان‌طور که امام بزرگوار یك وقت به بنده فرمودند - و بنده هم خودم این را در دوران مسؤولیتهای مختلف تجربه کرده‌ام - همواره در شدايد، دست قدرت الهی به ما کمك کرده است.
عزیزان من! این را بدانید: گاهی حوادثی اتّفاق می‌افتد که مسؤولین کشور، یعنی کسانی که از قضایا مطّلعند، از آنها به تعبیر معروفِ «از حوادث پشت پرده» اطّلاع دارند و می‌دانند که عامل آن حوادث نمی‌توانسته یك عامل معمولی و طبیعی باشد و چیزی جز عنایت الهی، پشت این قضیه نیست. ما به این قضیه معتقدیم. قرآن، ناطق به این معناست. ما عقیده داریم که «وَلَيَنْصُرَنَّ اللّهَ مَنْ يَنْصُرُهُ.» (33) چه کسی بیشتر از این ملت نصرتِ دینِ خدا کرده و در میدانهای خطر وارد شده است؟! پس، نصرت الهی، امری طبیعی و بدیهی است. آن را داشته‌ایم ؛ بعد از این هم ان‌شاءالله خواهیم داشت. این، قلم عمده است، که شامل بیشتر یا همه‌ی تواناییهای ما همین است. آن رقم عمده‌ی دیگری که باید مورد نظر قرار گیرد، این ملتِ بزرگ است ؛ ملتی همراه با دولت، علاقه‌مند به نظام حاکم و وقتی که لازم باشد، فدایی در راه آن. ملّتی با ایمان. ملّتی حاضر در صحنه، که گذشته نشان می‌دهد هر جا لازم باشد از کشور اسلامی و اسلامش دفاع کند، با قدرت و شجاعت وارد صحنه می‌شود و دفاع می‌کند. در گذشته این‌گونه بوده است، در آینده هم ان‌شاءالله همین‌گونه خواهد بود. صحنه‌ی جنگ هم این را نشان داد. قبل از آن، صحنه‌ی انقلاب هم نشان داده بود. عرصه‌ی سازندگی هم - در این سالهای اخیر - نشان داد که در هر جا که حضور مردم لازم است، این ملت، با صداقت، صمیمیّت و شور و هیجان حاضر می‌شود.
این مردم، بر هیچ کس هم منّت ندارند. احساس تکلیف می‌کنند و وارد صحنه می‌شوند. در آینده هم به خواست خدا، همین‌طور خواهد بود. البتّه مستبعد است که ما در آینده، تجربه‌ی نظامی داشته باشیم ؛ ولی اگر فرض کنیم باز یك فرد یا نظامِ غافلِ خدازده‌ای به فکر این بیفتد که با این مردم زور آزمایی نظامی کند، باز سرو کارش با همین ملت، همین جوانان، و همین مؤمنان فعّالی است که در همه جا ایمانهای خودشان را نشان می‌دهند. ملت در انتخابات نشان داد ؛ در صحنه‌های سیاسی، در راهپیماییها و در موضعگیریها هم نشان می‌دهد. این ملت، سرمایه‌ی بزرگی است و این ملت، با امام است ؛ در راه امام است. الان هم محبوب‌ترین انسان در میان این ملت و در دلهای ایشان، امام بزرگوار ما، امام خمینی است.
دیگران هر چه می‌خواهند بگویند. هر طور می‌خواهند تحلیل کنند. غلط است که کسی احوال خود را از دیگری بپرسد. بعضی عادت کرده‌اند که بنشینند ببینند خبرگزاریهای وابسته‌ی به صهیونیستها و مستکبرین و سرمایه دارانی

که با اسلام و مسلمین و نظام اسلامی مخالفند، درباره‌ی ایران چه می‌گویند! معلوم است که آنها نمی‌توانند واقعیت را بگویند! حتّی نمی‌توانند واقعیت را درك كنند. آنها ملت ما را نمی‌شناسند، کشور ما را نمی‌شناسند، نظام ما را نمی‌شناسند، مسؤولین ما را نمی‌شناسند، شخصیتهای ما را نمی‌شناسند. می‌بینید چقدر اشتباه می‌کنند و می‌بینید چطور درباره‌ی شخصیتهای ما به اظهار نظر می‌پردازند! تا جایی که همه‌ی کسانی که وارد و مطّلع هستند، به ساده لوحی آنها می‌خندند. آنها آرزوهای خودشان را بر زبان جاری می‌کنند: همان داستان «شتر و پنبه‌دانه» است! آنچه را که در دل دارند و می‌خواهند، به صورت تحلیل بیان می‌کنند. این، شرح حال ملت ایران نیست. شرح حال ملت ایران این است که مشاهده می‌کنید. شرح حال ملت ایران، عرصه‌های دفاع مقدّس در طول هشت سال است. شرح حال ملت ایران، حضور در این انتخابات سی میلیونی است. ملت ایران ملتی است مسلمان، انقلابی، معتقد به امام، علاقه‌مند به نظام اسلامی و آماده برای دفاع از ارزشهایی که به آنها معتقد و پایبند است. این، سرمایه‌ی عظیمی است. هر حکومتی و هر دولتی که پشت سر خود چنین ملتی داشته باشد، باید به آینده امیدوار باشد. باید احساس قدرت کند. باید احساس کند که می‌تواند کار کند. باید احساس کند که وظیفه دارد کار کند.

آنچه من به مسؤولان دولتِ آینده و رئیس جمهور عزیز - که بحمدالله خودشان هم به این نکات توجه دارند - از باب تذکر عرض می‌کنم این است که اوّلاً، همه‌ی سعی ما باید این باشد که این ملت را بشناسیم. ثانیاً، خواسته‌ها و نیازهایش را برآورده کنیم. این ملت، حقّ عظیمی بر گردن ما دارد. این ملت است که کشور را حفظ کرده است و این ملت است که به حقیقت، آیتِ قدرتِ پروردگار است.

من در چند دوره‌ای که امام بزرگوارمان حکم ریاست جمهوری - آراءِ مردم - را تنفیذ می‌کردند، در فرمایشات ایشان نگاه کردم و دیدم به‌طور مستمر - با هر کس که طرف بوده‌اند - راجع به مردم و ملت صحبت کرده‌اند. این، همان حکمتِ امام است ؛ همان چیزی است که ما هر طور نگاه و مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم این درست است، این بهتر است. بخصوص قشرهای مستضعف، قشرهای فقیر و ضُعفای مردمند که نیروهای وفادار و ماندگار انقلاب و امام و دولتهای مختلف بوده‌اند و هستند و خواهند بود. عزیزانی که ان‌شاءالله در آینده‌ی نزدیكْ مسؤولیت بر عهده می‌گیرند، باید هرچه می‌توانند از این ذخیره‌ی دائمی استفاده کنند و تا آن‌جا که قدرت دارند، برای آنها خدمت و کار کنند. وضع کنونی، بحمدالله این است. این، کشوری است که گامهای اساسی و بلندی برای بازسازی، در آن برداشته شده است.

شاید در طول دوران رژیم گذشته، حتّی بخشی از آنچه در این چند سال در بازسازی این کشور انجام گرفت، انجام نگرفته بود ؛ چون کار را با کیفیّت و کمیّت - هر دو - باید دید. آنها اگر کاری هم برای کشور می‌کردند - که از لحاظ کمیّت هم نسبت به آنچه در این دوره‌ی کوتاه انجام گرفته است، حقیقتاً کم است - از لحاظ کیفیت، مخدوش بود ؛ زیرا در آن، استقلال این ملتْ ملاحظه نشده بود. اساسِ سیاست آن رژیم، بر وابستگی بود. چند نفر دولتمردِ نسبتاً شجاع یك روز در زمان رضاخان پیدا شدند و یك قرار داد نفتی را نوشتند که منافع ملت ایران، تا حدودی در آن ملاحظه شده بود. به‌خاطر انگلیسیها، رضاخان با چکمه‌هایش وارد اتاق هیأت دولت شد و نوشته‌های آنها - پرونده‌ی نفت - را گرفت، در آتش بخاری انداخت و جلو چشم آنها سوزاند! این، چیزی است که خود آنها نوشته‌اند. امثال تقی‌زاده و دیگران این ماجرا را نوشته‌اند.

سیاست، سیاستِ وابسته بود. راه‌آهن هم که می‌کشیدند، بیش از آن‌که برای ایران و تجارت ایران باشد، به نفع اتّصال دو جبهه‌ی متّفقین بود که آن روز بایستی علیه آلمان می‌جنگیدند. راه‌آهن سراسری این است! (راه‌آهن شمال و جنوب برای این بود که شوروی آن روز را به جنوب، در خلیج فارس که محلّ استقرار انگلیسیها بود وصل کنند تا بتوانند سلاح منتقل نمایند، و جبهه‌های جنگ متّفقین علیه متّحدین - آلمان و همکارانش - همواره قادر به دفاع باشد. راه‌آهن هم برای این کشیده می‌شد. طرفداران رژیم منحوس و تفاله‌های رژیم گذشته، بعد از گذشت پنجاه سال، هنوز که هنوز است، صحبتِ راه‌آهن شمال و جنوب را می‌کنند ؛ راه‌آهنی که براساس طرحی خائنانه و بی‌توجّهی به استقلال این ملت به‌وجود آمد و در آن، آبرو و شأن این ملت رعایت نشد.

حالا شما ملاحظه کنید: خطوط راه‌آهن عظیمی که در دوران بعد از جنگ تحمیلی در ایران ساخته شد، همان چیزی

است که ملت ایران به آن نیاز دارد. یکی از مستشرقینی که در همان دوران آمده و در ایران سیاحت کرده است، می‌گوید: من تعجّب می‌کنم چطور راه آهن ایران از شهرهایی که محلّ عمده‌ی تجارت ایران است عبور نکرده است!؟ (همین جاهایی که امروز بحمدالله به برکت جمهوری اسلامی، می‌بینیم که زیر پوشش ارتباطات و اتّصالات و مواصلات صحیح قرار گرفته‌اند).

نه کمیّت آنچه قبل از جمهوری اسلامی در این مملکت انجام گرفته است، و نه کیفیّت آن، قابل مقایسه با آنچه این نظام مردمی و خدایی - جمهوری اسلامی - انجام داده است، نیست. نظام مرتبط با معنویّت و ایمان، معنایش این است ؛ نظامی که پشتوانه‌ی عظیم مردمی، آرا، عواطف، پشتیبانی و کمك مردم را دارد ؛ ایمان، معنویّت، برادری و هماهنگی، اتّکال به خدا و ایمان به غیب را هم دارد. آن، نتیجه‌اش می‌شود این. علی‌رغم این همه توطئه و مخالفتی که با این ملت شد ؛ با این محاصره‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی، این ملت توانسته است یکی پس از دیگری، دولتهایش را حمایت کند و دولتها توانسته‌اند این‌گونه کشور را از لحاظ عمران و آبادی و از جهات سیاسی و آبروی بین‌المللی و اقتدار ملی، پیش ببرند. اینها آن ارزشهایی است که کشور ما دارد و بحمدالله، دولتهای ما، همه از آن برخوردار هستند و خواهند بود. این مظهر نعمِ بزرگ الهی و همان دست قدرتی است که عرض کردم خدای متعال دائماً در پشتیبانی این نظام داشته است و خواهد داشت.

البته من سفارش کرده‌ام و سفارش و تأکید هم می‌کنم که باید تلاش شود فقر و بی‌عدالتی و تبعیض که میراث طواغیت گذشته است، در این کشور ریشه کن شود. این‌جانب بیشترین اهتمام را متوجّه این مطلب کرده‌ام و می‌کنم و توصیه‌ام این است که دیگران نیز همین‌طور عمل کنند. اگر این همه خیرات و برکاتی که بحمدالله مظهر و اوج آن هم در این چند سال اخیر، دولت برادر عزیزمان جناب آقای هاشمی رفسنجانی حفظه‌الله‌تعالی بود و همه‌ی آنچه را که انجام دادیم، چند برابر می‌بود و چندین برابر آن را هم انجام بدهیم، اما به این نکته توجّه نکنیم، کارمان ناقص و ابتر خواهد بود.

عزیزان من! نظام اسلامی، نظام سرمایه‌داری نیست. من چهارسال قبل، در همین جا - در روز تنفیذ - همین موضوع را به حضّاری که بودند، عرض کردم و گفتم: «نظام ما، نظام سرمایه‌داری نیست. نظام سرمایه‌داری، به جمعِ ثروت، به رونق اقتصادی و به مجموع در آمد ملی نگاه می‌کند و برایش مهم نیست که این ثروتْ چگونه به دست می‌آید، به دست کی می‌آید و چند درصد از مردم، چگونه از آن استفاده می‌کنند!» باید در آمد ملی بالا برود، ثروت زیاد شود، تلاش اقتصادی مورد حمایت قرار گیرد ؛ که مورد حمایت هم قرار می‌دهند. قوانین هم در این جهت است. قدرت اجرایی هم در این جهت است. کشورهای سرمایه‌داری - آن هم نه همه بلکه بعضی - حداکثر کاری که می‌کنند این است که بیمه‌ها و تضمینهایی را برای قشرهای مظلوم و محروم می‌گذارند، تا حداقلی هم به آنها برسد. این، نظام سرمایه‌داری است.

نظام اسلامی، این‌گونه نیست. نظام اسلامی می‌فرماید: «بالعدل قامت السموات والارض. (34)» اصل، عدالت است. البته، تولید ثروت هست. نظام اسلامی، یك جامعه‌ی فقیر نمی‌خواهد. یك ملت فقیر و یك درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروتها استفاده می‌کند ؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسانها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یك دوره‌ی طولانی، صاحب علم و صنعت در کلّ جهان بوده است. اما جهت همه‌ی اینها، عدالت است. ثروت هست ؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند ؛ همه هم برای اقامه‌ی قسط آمدند ؛ «لیقوم الناس بالقسط (35)». اینها حرفهای خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است ؛ نهج البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمّه هم هست.

این، جهت را مشخّص می‌کند. قسط یعنی همین: اگر جامعه برخوردار است، همه باشند. نمی‌گوییم همه یکسان ؛ چون یکسانی امکان ندارد. بالاخره تلاشها، همّتها و قوّتها مختلف است. بعضی بیشتر تلاش می‌کنند ؛ بعضی کمتر می‌کنند. بعضی ابتکار بیشتری دارند. استعدادها یکسان نیست. «و لایزالون مختلفین... و لذلك خلقهم (36).» مردم، دارای اختلاف در استعدادند. بحث در این نیست که یکسان باشند. بحث در این است که به قدر استعدادشان

کار کنند و به قدر همّتشان تلاش کنند و همه بتوانند به قدر قدرتشان به دست بیاورند. کسی محروم نماند ؛ کسی مظلوم نماند ؛ کسی سرکوب شده نماند. این، آن هدف اصلی است.
ما که بر سر کار آمدیم - آن روز که روز مبارزه بود تلاش کردیم، آن روز که پیشنهاد مسؤولیت کردند، به هر صورت قبول کردیم - برای تحقّق همین هدف بود. کسانی که با فرهنگ ما آشنا نیستند، باور کنند. اگر چه می‌دانم قطعاً باور نمی‌کنند که برای ما این مسؤولیتها جاذبه‌ای ندارد. خودیها می‌دانند. کسانی که از نزدیك با این فرهنگ و اشخاص آشنا هستند، می‌دانند. این مسؤولیتها، فقط برای اقامه‌ی عدل، اقامه‌ی حکم الله و هموار کردن راه خدا در مقابل پای مردم، ارزش و محبوبیت و جاذبه دارد.تلاش باید برای این باشد.
البته در این زمینه، کار شده است. من اگر نگویم که برادران عزیز ما در مسؤولیتهای گوناگون در دوره‌های گذشته، برای این قضیه چقدر تلاش کرده‌اند، ناسپاسی است. لکن، راه طولانی‌تری از آنچه که تا به حال پیموده‌ایم در پیش داریم. کار بیشتری از آنچه تا به حال کرده‌ایم باید انجام دهیم. این، مسأله است. اساس کار دولت، باید بر این باشد. چه در زمینه‌ی فرهنگی، چه در زمینه‌ی اقتصادی و چه در زمینه‌ی سازندگی، جهت باید این باشد ؛ در حالی که فعّالیتها متنوّع است.
خدا را شکر می‌کنیم که انتخابات، خوب و بسیار خوش عاقبت و همراه با خرسندی عمومی مردم بود. امروز انسان احساس می‌کند که برای ملت ما و فضای عمومی کشور، مثل یك روز عید است و این هم، لطف پروردگار است.
امیدواریم که خداوند متعال، این روز و این حادثه را فرخنده و مبارك کند و مشمول الطاف و برکات خودش قرار دهد. امیدواریم شرور را از این ملت منصرف کند ؛ دشمنان این ملت را سرکوب و منکوب فرماید، و این ملت را به آرزوهای بزرگش برساند. امیدواریم رئیس جمهور عزیز و مسؤولان ایشان را - که انتخاب خواهند کرد - در کار مهمّی که در پیش دارند، موفّق فرماید ؛ قلب مقدّس حضرت ولیّ عصر را از همه‌ی ما راضی کند ؛ روح مبارك امام بزرگوار را - که یقیناً از این حوادث و مراسم شاد است - همواره شاد نگهدارد و ارواح طیّبه‌ی شهدای بزرگوار ما را با پیغمبر و آل او محشور کند.
والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته
32) عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 182
33) حج: 40
34) تفسیر صادقی: ذیل آیه‌ی 7 از سوره‌ی الرّحمن.
35) حدید: 25
36) هود: 119 - 118